

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در پنجمین از مفطرات صوم یعنی الکذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) بود، عرض کردیم فقهای ما طبق روایاتی که در باب ۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم ذکر شده است این نوع از کذب را جزء مفطرات صوم شمرده اند البته مسئله اجماعی نیست بلکه هم در بین قدما و هم در بین متأخرین اختلاف نظر وجود دارد، مشهور از قدما قائلند که صوم را باطل می کند اما مشهور از متأخرین قائلند که صوم را باطل نمی کند خلاصه اینکه ما صاحبان اقوال را ذکر کردیم و روایات مربوط به بحث را هم خواندیم. حرمت این نوع از کذب مسلم است اما بحث در این است که آیا روزه را باطل می کند یا نه؟ در میان شراح عروة آقای حکیم در آخر بحثش تردید می کند و می گوید اقوی این است که این نوع از کذب مبطل صوم نمی باشد زیرا در یکی از روایات جمله ای ذکر شده که کمی اضطراب دارد و درست کردن آن قدری مشکل است خلاصه ایشان به خاطر اضطراب آن جمله می فرمایند صوم را باطل نمی کند، اما آقای خوئی در مستند العروة و شیخ محمد تقی آملی در مصباح الهدی و سید عبد الاعلی سبزواری در مهذب الاحکام می فرمایند که این نوع از کذب صوم را باطل می کند، این اقوال شراح عروة بود که عرض کردیم. و اما در میان محشین عروة بعضی ها می گویند علی الاقوی و بعضی ها می گویند علی الاحوط صوم را باطل می کند ولی کسی خدشه ای در این مورد نمی کند.

کسانی که قائلند کذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) صوم را باطل نمی کند چند مناقشه و اشکال در اینجا کرده اند که باید آنها را جواب بدهیم، اولین مناقشه آنها این است که این اخبار ضعیف هستند، ما در جوابشان می گوئیم که این اخبار ضعیف نیستند بلکه در میان آنها دو الی سه خبر وجود دارد که صحیح هستند مثلا خبر اول که خبر سماعة بود درست است که در سندش عثمان بن عیسی که واقفی است قرار دارد اما عثمان بن عیسی موثق می باشد و خبر دوم هم که از ابی بصیر بود سندش صحیح می باشد بنابراین از نظر سند نمی توان به این اخبار مناقشه ای کرد چون هم خبر صحیح و هم خبر موثق در بین آنها وجود دارد.

دومین مناقشه آنها این است که این اخبار مشتمل بر جمله ای هستند که لا یقول به أحد و همین باعث ضعف آنها می شود و آن جمله این است که الکذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه(ع) ینقض الوضوء

در حالی که احدی از فریقین نگفته است که این نوع از کذب وضو را باطل می کند، اما جواب این مناقشه این است که در تمام اخبار این جمله وجود ندارد و همچنین می توان گفت که نقل اخبار متعدد از ابی بصیر و سماعة مشکل است زیرا هر کدام از آنها فقط یک دفعه آن خبر را از امام شنیده است فلذا نمی توان این طور جاها را چند خبر محسوب کرد زیرا بعید است که مثلا سماعة این خبر را دو مرتبه از امام شنیده باشد بلکه فقط یک مرتبه شنیده ولی در نقلش فرق کرده است فلذا این یک خبر می باشد نه دو خبر بنابراین ما نباید بجسیبیم به کلمه نقض وضوء و بگوئیم چون اینچنین است پس این خبر قابل عمل نیست بلکه در بعضی از روایتهای آن شخص این کلمه هست و در بعض دیگر نیست، خوب بالاخره یستفاد از این خبر که به طور قطع ائمه(ع) چنین چیزی را فرموده اند و این بحث بی خود و بی جهت به فقه ما راه پیدا نکرده است خصوصا وقتی که می بینیم قدما من جمله شیخین طبق آن اخبار فتوی داده اند، اصلا ممکن است که یک خبر مشتمل بر دو جمله باشد خوب حالا اگر یک جمله از آن خبر معرض عنه باشد و فقها به آن عمل نکرده باشند دلیل بر آن نیست که جمله دیگرش هم از حجیت بیافتد بلکه هر جمله ای که از معصوم(ع) به ما رسیده با شرایط خودش برای ما حجت می باشد.

اما در خبر سوم باب آمده است: «سألته عن رجل کذب فی شهر رمضان، فقال: قد أفطر و علیه قضاؤه و هو صائم یقضى صومه و وضوئه إذا تعدد الکذب»، آقای حکیم که قائلند این نوع از کذب صوم را باطل نمی کند به این خبر استناد کرده اند و می گویند که این خبر اضطراب دارد، ایشان در کلمه علیه قضاؤه و هو صائم بسیار بحث کرده اند و فرموده اند اگر روزه اش باطل است چرا گفته شده و هو صائم؟ و اگر روزه اش صحیح است چرا گفته شده یقضى صومه؟ خلاصه ایشان در اینجا خیلی بحث کرده اند و در آخر فرموده اند که این روایت اضطراب دارد فلذا این نوع از کذب صوم را باطل نمی کند. آقای بروجردی اعلی الله مقامه به دلیل اینکه خیلی زیاد در اخبار کار کرده بودند می فرمودند؛ بعضی از روایات عرب نبوده اند و به مرور زمان به کوفه و جاهای دیگر آمده بودند و جزء اصحاب ائمه(ع) شده بودند به همین خاطر روایات این افراد چونکه عرب نبودند ولی عربی حرف می زدند نوعاً اضطراب دارد مثل عمار ساباطی که اهل ساباط مدائن می باشد و مدائن هم جزء شهرهای ایران می باشد که در جنگ های اسلام و عرب فتح شد و آن را گرفتند، افرادی از این قبیل را ایشان جمع آوری کرده بودند که این کار نتیجه ۵۰ سال تلاش و سعی ایشان بود،

بلکه حصر در اینجا اضافی می باشد زیرا مثلاً ارتماس فی الماء در این اخبار ذکر نشده است ولی ما بعداً بحث خواهیم کرد که مبطل صوم می باشد، علیّیّ حال برای ما شکی نیست که یکی از چیزهایی که بر حسب اخبار اهل بیت (ع) روزه را باطل می کند الکذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه (ع) می باشد.

صاحب عروة در عروة می فرمایند: الخامس: تعدد الکذب علی الله تعالیّ أو رسوله أو الائمه صلوات الله علیهم سواء کان متعلقاً بامور الدین أو الدنیا، شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء گفته است فقط امور دین منظور است و ائمه (ع) در مقام تشریح فقط آنچه را که مربوط به امور دین است بیان می کنند و اگر کسی در امور دنیا دروغ بگوید اشکالی ندارد، البته این حرف درست نیست زیرا ظاهراً این کلام اطلاق دارد، و سواء کان بنحو الإخبار أو بنحو الفتوی: ظاهراً ایشان فتوی را گاهی به این صورت در نظر گرفته اند که إخبار از حکم خداوند باشد و گاهی هم فتوی بیان حکم از قول خدا و رسول می باشد، بالعربیّیّ أو بغيره من اللغات، من غیر فرق بین آن یکون بالقول أو الكتابة أو الإشارة أو الکناية أو غيرها ممّا یصدق علیه الکذب علیهم: مرحوم نراقی در ص ۲۵۶ از جلد ۱۰ مستند الشیعه در ذکر انواع کذب به سراغ روضه خوانها و مداح ها می رود و می گوید که در اشعار، کنایات و تشبیهات و امثال اینها زیاد است فلذا آیا این اشعار کذب علی الله و رسوله و الائمه (ع) محسوب می شود یا نه؟ ایشان می فرمایند که اگر کسی این اشعار را بخواند در حالی که می داند امام (ع) این طور نگفته است و فقط چونکه اینها جزء مبالغات شعری هستند خوانده می شوند خوب در اینجا اشکالی ندارد اما مثلاً اگر بگوید که امام حسین (ع) اینطور گفت در حالی که امام حسین (ع) اینطور نگفته است خوب این همان کذب علی امام حسین (ع) می باشد و روزه را باطل می کند فلذا بعضی از وعاظ و علما در ماه مبارک رمضان منبر نمی رفتند، و من غیر فرق بین آن یکون الکذب مجعولاً له أو جعله غیره و هو أخبر به مسنداً إلیه لا علی وجه نقل القول، و اما لو کان علی وجه الحکایة و نقل القول فلا یکون مبطلاً: اگر دروغی را از دیگری نقل کند در حالی که خودش آن را قبول ندارد و ادعان می کند که این دروغ می باشد در این صورت اشکالی ندارد و روزه را باطل نمی کند اما اگر دروغ را از کسی طوری نقل کنیم که مثل این بماند که خودمان داریم آن دروغ را می گوئیم و در واقع آن دروغ را شاهد بر گفتار خودمان بیاوریم در اینجا روزه باطل می شود.

بنابراین ایشان می فرمودند بعضی از اخبار اضطراب دارند چون راوی آن در لفظ عربی خیلی مهارت نداشته و این خبر سوم باب هم که از سماعة می باشد اضطراب دارد فلذا جمع کردن بین و هو صائم قد أفطر یتقضى صومه باعث شده که آقای حکیم خیلی در اینجا بحث کنند و بگویند که اگر ما ظاهر أفطر یعنی روزه اش باطل شد را بگیریم خوب بعد و هو صائم را باید یک جورى تفسیر کنیم و اگر ظاهر و هو صائم را بگیریم قد أفطر را باید چطور معنی کنیم؟ حمل کنیم بر این که صومش باطل نشده بلکه کمالش کم شده است و یتقضى وضوئه هم یعنی وضوئش کمالش را از دست داده نه اینکه واقعاً باطل شده است، خلاصه ایشان خیلی در اینجا بحث کرده اند و در آخر گفته اند اقوی این است که این نوع از کذب صوم را باطل نمی کند.

بالاخره به نظر بنده اگر یک فقیهی این باب را مطالعه کند اطمینان پیدا می کند که چنین چیزی از اهل بیت (ع) صادر شده است و ائمه (ع) در مقابل عامه که قائلند این نوع از کذب روزه را باطل نمی کند فرموده اند که روزه را باطل می کند و این برای ما مسلم است و اشکالات کوچک و ریزی که در فی ما بین مطرح است باعث نمی شود که ما اطمینان خودمان را از دست بدهیم از این جهت مناقشاتی که مطرح شده قابل جواب است و ما باید بگوئیم که کذب علی الله و علی رسوله و علی الائمه (ع) روزه را باطل می کند.

مطلب دیگر این است که در ضمن بحث بعضی ها تمسک به اصل کرده اند، آنهایی که می گویند باطل نمی کند تمسک به اصل برائت می کنند و آنهایی که می گویند باطل می کند تمسک به اصل اشتغال می کنند، اولاً باید عرض کنیم که اینجا اصلاً جای تمسک به اصل نمی باشد زیرا در جایی که ما روایت (دلیل اجتهادی) داریم نوبت به دلیل فقهاتی نمی رسد اگر یک وقتی هم ما تمسک به اصل کنیم باید ببینیم که حق با کدامش است، نحوه شک ما فرق می کند یعنی اگر شک داریم که فلان چیز باطل می کند یا نه و حرام است یا نه که خوب اصل برائت است و اگر یقین داریم که ذمه ما مشغول شده و شک در فراغ ذمه داشته باشیم اصل اشتغال ذمه ما می باشد خلاصه اینکه اینجا جای تمسک به اصل نمی باشد.

و اما سومین اشکال و مناقشه ای که در اینجا مطرح است این است که گفته شده که ما روایاتی داریم که مبطلات صوم را منحصر کرده اند و آنها را یک به یک نام برده اند ولی این مورد در آنها ذکر نشده فلذا این انحصار دلالت بر این دارد که این نوع از کذب مبطل نیست، البته در جواب این اشکال گفته شده که این روایات در مقام حصر حقیقی نیستند

(مسئله ۱۹): الأقوی إلحاق باقی الأنبياء و الأوصياء بنبيينا(ص) فيكون الكذب عليهم ايضا موجبا للبطلان بل الأحوط إلحاق فاطمة الزهراء سلام الله عليها بهم ايضا .

در اینجا صاحب عروة گفته اند الأقوی ولی حضرت امام رضوان الله عليه و باقی محشین اکثرا گفته اند الأحوط ، زیرا ما تابع دلیل هستیم و در روایات ما فقط کذب علی الله و علی رسوله و علی الأئمة (ع) آمده بود ، خوب حالا ما با چه دلیلی باید باقی اوصیاء و انبیاء را به رسول و ائمه (ع) ملحق کنیم؟ ظاهراً دلیلی نداریم فلذا در اینجا أكثر محشین فرموده اند الأحوط و صاحب جواهر در ص ۸۵ از جلد ۱۷ فرموده اند: « فالأولی إلحاق الزهراء عليها السلام و باقی الأنبياء والأوصياء لرجوع الكذب عليه من الكذب على الله ». اما در بین شراح عروة آقای خوئی در مستند العروة قبول نکرده اند و گفته اند اگر کذب بر اینها به کذب علی الله و رسوله و الائمة (ع) برنگردد اشکالی ندارد . حاج آقا رضای همدانی هم در ص ۳۸۱ از جلد ۱۴ مصباح الفقیه قبول نمی کنند . حضرت امام رضوان الله عليه در حاشیه عروة می فرماید: « فی القوة إشکال فالأحوط إلحاق ». و بنده هم در حاشیه عروة گفته ام احوط الحاق است ، بنابراین فتوی دادن به إلحاق در اینجا مشکل است و ما دلیل محکمی برای اقوی بودن الحاق نداریم. ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين